به نظر اگر دو روش بحث زیر با هم تلفیق شود و به شکل یک رویکرد یا بعدا کتاب درسی برای اقتصاد در نظر گرفته شود بسیار به فهم عمیق تر کمک خواهد کرد. در صورتی که هم اکنون این دو بحث جداگانه و با دو روش متفاوت تدریس و مطالعه میشود.

تلفیق روش بحث [History of economic thought](https://en.wikipedia.org/wiki/History_of_economic_thought) با روش بحث در economic system

تحلیل رابطه عینیت و ذهنیت در تاریخ به کمک قالب تاریخ‌نگاری تطبیقی عقاید اقتصادی و وقایع در محور زمان

 (بهترین شیوه برای توصیف و تبیین تاریخ در رشته اقتصاد)

ایمان عابدی[[1]](#footnote-1)

# چکیده

دانش اقتصاد هم‌زمان با شکل‌گیری جوامع به وجود آمده­ و به‌صورت مکاتب مختلف در طول تاریخ ظهور کرده است. مطالعه تاریخ عقاید و وقایع در کنار یکدیگر منجر به این می­شود که محقق نقش رابطه بین عینیت و ذهنیت را در تاریخ بسیار واضح ببیند. بهترین قالب برای به تصویر کشیدن انتقالات بین ذهنیت و عینیت، تاریخ‌نگاری تطبیقی در محور زمان است. در این یادداشت ابتدا با شیوه تاریخ‌نگاری تطبیقی در محور زمان برای به تصویر کشیدن رابطه عینیت و ذهنیت آشنا می­شویم و سپس برای آشنایی بهتر با این روش و قالب به‌عنوان نمونه برای بخشی از تاریخ این روش را اجرا می­کنیم.

# مقدمه

اقتصاد به‌عنوان یکی از علوم اجتماعی برای توصیف (بیان واقعیات) و تبیین (بیان روابط علی معلولی بین پدیده‌ها) واقعیات اقتصادی و همچنین تنظیم مناسبات اقتصادی در جوامع نقش مهمی دارد؛ و به‌صورت یک ابزار، دانش و یا یک علم در طول تاریخ بروز و ظهور داشته، مثلاً در جوامع قدیم مثل یونان باستان اقتصاد به‌عنوان یک ابزار برای حداکثر کردن ثروت حکومت بکار می­رفته است، همچنین پس از آدام اسمیت اقتصاد به‌عنوان یک شاخه علمی منظم و منسجم مسیر پرفراز و نشیبی را طی کرده است. برای مثال ظهور مکاتبی همچون کلاسیک‌ها، کینزین ها، مارکسیست‌ها و اندیشمندانی مثل جان استوارت میل، مارکس و کینز و روش‌هایی مثل دیالکتیک، پوزیتیویسم و ابطال‌گرایی و اینکه این‌ها چگونه به وجود می‌آید همواره از مهم‌ترین سؤالات علم اقتصاد است.

ما قصد داریم به این سؤالات به‌طور مشخص پاسخ دهیم که اولاً تغییرات در مکاتب اقتصادی، ظهور نظرات جدید و دگرگونی‌های بنیادی در علم اقتصاد چگونه رخ می­دهد، ثانیاً آیا واقعیات و تحولات تاریخی با نظرات علمی رابطه‌ای دارد؟ و ثالثاً این دو پدیده که در سؤال اول و دوم از آن سؤال شد چطور قابل شناخت است؟ و چرا بهترین روش برای بیان تاریخ اقتصادی روش تطبیقی (تطبیقی عقاید اقتصادی و وقایع در محور زمان) است؟ و رابعاً شناخت آن‌ها چه کمکی به بشریت می‌تواند بکند؟

# لزوم مطالعه تاریخ

در مطالعات علمی، بررسی‌های تاریخی می­تواند نحوه شکل‌گیری جریان‌های مختلف علمی را به محقق نشان دهد مثلاً اینکه چگونه روش پوزیتیویسم در اقتصاد رونق گرفت یا اینکه ریاضیات از کجا به اقتصاد وارد شدند به کمک مطالعه تاریخ ممکن می‌شود. به کمک این اطلاعات می‌توان ریشه نظرات و جهت‌گیری‌های علمی افراد و مکاتب را یافت. از طرفی بهترین شیوه برای رشد علم و رسیدن به حقیقت نقد نظریات موجود است و دانستن ریشه و تاریخ نظریات می‌تواند قدم بزرگی را در نقد آن‌ها بردارد و مسیر پیشرفت علم را هموار سازد. لذا پس از انتقاد به نظریات، محققان در پی تئوری پردازی‌های قوی‌تر می­­روند و این‌گونه ساختمان علم بزرگ‌تر و مستحکم‌تر خواهد شد.

# روش مختار در تحلیل تاریخ: رابطه عینیت و ذهنیت

روش‌های مختلفی برای تبیین تاریخ وجود دارد ولی برای کارکردی که در مطالعه تاریخ در اقتصاد مدنظر است بهترین شیوه بررسی وقایع و عقاید به شکل تطبیقی در محور زمان است. در ادامه به توضیح این روش می­پردازیم.

 رابطه عینیت و ذهنیت بسیار کمک می‌کند تا بتوان تاریخ اقتصاد را تبیین کرد. منظور ما از ذهنیت تمام آن چیزی است که در ذهن و ضمیر انسان شکل می‌گیرد. نظریات، فرضیه‌ها، باورها همه در ساحت ذهن هستند و هر آنچه در عالم بیرون نمود عینی دارد مثل جنگ، ترور، تورم، بانک، آتش‌سوزی و بیماری پدیده‌های عینی هستند. در یک تقسیم‌بندی کلی امور به دودسته property (تکی) و relation (رابطه) تقسیم می‌شوند. بین عینیت و ذهنیت نیز یک رابطه برقرار است. روابط ویژگی‌های مختلفی می‌توانند داشته باشند. در رابطه بین عینیت و ذهنیت حداقل دو ویژگی مهم وجود دارد:

اولاً رابطه بازتابی برقرار است یعنی هرکدام با خودشان در رابطه هستند. به‌عبارت‌دیگر عینیت بر ذهنیت و ذهنیت بر عینیت تأثیرگذار است.

و دوما متقارن است یعنی: اگر ذهنیت بر عینیت تأثیر داشته باشد عینیت نیز بر ذهنیت همان تأثیر را دارد.

در چنین حالتی بین عینیت و ذهنیت 4 انتقال صورت می­گیرد؛ که از آن‌ها به رابطه ذهنیت و عینیت یاد می­شود. الف) تأثیر عینیت بر عینیت ب)تأثیر ذهنیت بر ذهنیت (روابط بین الاذهانی Intersubjectivity) ج) تأثیر ذهنیت بر عینیت د) تأثیر عینیت بر ذهنیت.

برای نزدیک شدن به ذهن چند مثال را بررسی می‌کنیم:

مثلاً جنگ جهانی اول و دوم از جنس رابطه عینیت با عینیت است. شکل‌گیری جریان مارکسیست پس از نظریات کلاسیک‌ها از جنس تأثیر ذهنیت بر ذهنیت است (البته ممکن است از جهت دیگر تأثیر عینیت بر ذهنیت نیز باشد)، رشد علوم طبیعی مثل فیزیک منجر به تغییرات درروش شناسی اقتصاد شد، این از جنس رابطه تأثیر ذهنیت بر ذهنیت است؛ وقس‌علی‌هذا.

نکته مهم اینجاست که روابط ذهنیت و عینیت کمی در اینجا پویایی دارد و مطلق نیست، یعنی ممکن است ازیک‌طرف تأثیر x بر y ذهنی و از طرفی عینی باشد یا حالت­های دیگر.

#  تاریخ‌نگاری ((Historiography

علم مطالعه روش‌های تاریخ‌نگاری در بین تاریخدانان در طول زمان است. مثلاً تاریخ‌نگاری صدر اسلام، تاریخ‌نگاری انگلستان و کانادا ازجمله انواع روش‌های تاریخ‌نگاری است. در یک تقسیم‌بندی کلی تاریخ‌نگاری را به نقلی و تحلیلی تقسیم می‌کنند. روش‌های مختلف تاریخ‌نگاری نقلی مثل گزارش‌نویسی تاریخی، روزشمار تاریخی به‌صورت تلخیصی و تفصیلی، خاطره نگاری شفاهی و مکتوب و از روش‌های تاریخ‌نگاری تحلیلی نیز به تاریخ‌نگاری تحقیقی، تاریخ‌نگاری اسنادی و تاریخ‌نگاری فرهنگ‌نامه‌ای می‌توان اشاره کرد. پس از گردآوری تاریخ توسط روش‌های مذکور باید محتوا در قالب مناسب بیان شود. ادعای ما این است که در اقتصاد بهترین قالب بیان تاریخ شیوه تطبیقی است. لذا به توصیف این شیوه‌ می‌پردازیم.

# تاریخ تطبیقی[[2]](#footnote-2) عقاید و وقایع

دانشجویان اقتصاد بامطالعه تاریخ عقاید اقتصادی با سیر مکاتب اقتصادی از یونان باستان تا امروز آشنا می‌شوند. کتاب‌های تاریخ عقاید اقتصادی در بهترین حالت نظرات اقتصادی مربوط به هر دوره و مکتب را بیان می‌کند؛ اما نمی‌تواند به این سؤال که چگونه و به چه علت عقاید اقتصادی مختلف به وجود آمدند پاسخ دهد؛ زیرا محتوای تاریخ به شکل کامل و در قالب مناسب تدوین‌نشده است. پس راه‌حل چیست؟

مقدمه) برای رشته اقتصاد کل تاریخ را باید به دودسته تقسیم کرد. دسته اول نظریات و فرضیات اقتصادی هستند که توسط دانشمندان ارائه‌شده است و دسته دوم به هر آنچه که غیر از دسته اول است گفته می‌شود که ماتحت عنوان وقایع آن را یاد می­کنیم، مثلاً تئوری‌های روانشناسی و جامعه‌شناسی، مکاتب فلسفی، جنگ جهانی اول و دوم، بیماری طاعون در آفریقا، زلزله بم، تشکیل سازمان بین‌المللی توسعه همه جزء وقایع هستند. خود یک نظریه اقتصادی هم ممکن است برای نظریه­ی دیگر اقتصادی یک واقعه باشد. وقایع خود به دودسته، وقایع طبیعی مثل بیماری و سیل وقایع غیرطبیعی مثل جنگ و تأسیس سازمان فائو، نظریه‌های علمی و... تقسیم می‌شود.

همان‌طور که قبلاً بیان شد روش تحلیل (شناخت روابط علی معلولی در تاریخ) تاریخ برای ما، بررسی روابط بین عینیت و ذهنیت است. سؤال اینجاست که مناسب‌ترین قالب بیان محتوای تاریخ، برای کمک به این روش تحلیلی چیست؟ پاسخ، روش تطبیقی ذکر عقاید و وقایع در محور زمان است. در این شیوه اولاً به کمک یک نمودار زمان عنوان تمام وقایع و عقاید ذکر می‌شوند، در مرحله دوم به‌صورت تفصیلی در جای دیگری شرح کامل تمام عقاید و وقایع آورده می­شود، در مرحله سوم به کمک نمودارهای ساده‌ای که تاریخ را به تصویر کشیده می‌توان هم‌زمانی وقایع و عقاید را مشاهده کرد و در محله چهارم به کمک نمودارها و آثار دیگر تاریخی فرضیاتی در مورد علت و ریشه وقایع و عقاید اقتصادی بیان کرد و در مرحله پنجم این فرضیات آزمایش می‌شوند و به‌شرط تأیید برای اقتصاددانان قابل استناد هستند.

نکته) برای کشیدن نمودار از شیوه­های مختلف می­توان استفاده کرد، یکی از بهترین اشکال این است که یک‌طرف نمودار وقایع و عقاید مربوط به جهان و یک‌طرف مربوط به ایران آورده شود، در این شیوه محقق می­تواند به‌صورت هم‌زمان و مقایسه­ای ایران و جهان را ببیند، این شیوه برای کسی که می‌خواهد تاریخ ایران را بشناسد و برای ایران سیاست‌گذاری کند مناسب‌تر است.

# بررسی یک دوره زمانی

اگر وقایع و عقاید فاصله زمانی مهروموم‌های 1300 تا 1800 را به کمک نمودار به تصویر بکشیم به‌راحتی سیر تحولاتی را که یکی به دنبال دیگری رخ‌داده را می‌توانیم مشاهده کنیم. در این مثال سعی شده که به کمک ذکر وقایع و عقاید نسبتاً کاملی در این دوره یک خط سیر تحول خاصی توضیح داده شود.

سال‌های 1300 میلادی هم‌زمان بود با حکومت عثمانی و حاکمیت عقاید اسکولاستیک، سفرهای مارکوپولو در سال‌های 1350، آشنایی غرب با شرق از طریق جنگ‌های صلیبی و سفر تجار تا سال‌های 1400، نارسایی مفاهیم کلیسا در مقابل دانشمندان در این دوره که منجر به تحولات رنسانس و جدایی دین از علم و جامعه شد، نظریات ابن خلدون (پدر علوم اجتماعی جدید در طول سال‌های 1302 تا 1406، اختراع صنعت چاپ 1457، کشف قاره آمریکا 1492، رشد اندیشه اومانیسم 1500 به بعد، هم‌زمان در ایران سال 1500 تاج‌گذاری شاه اسماعیل صفوی (سنت‌گرایی در ایران)، رشد دریانوردی به کمک انقلاب دریانوردی، نظریه کوپرنیک 1543، کتاب ساختار بدن انسان 1543، تجربه‌گرایی فرانسیس بیکن 1561، نظریه مقداری پول 1568 تحت تأثیر مرکانتیلیست، سال 1600 میلادی انقلاب علمی به وقوع پیوست، ویلیام پتی 1670 بحث از قوانین طبیعی در اقتصاد، 1712 انقلاب صنعتی، 1758 تأسیس فیزویکراسی تحت تأثیر انقلاب علمی اختراع دماسنج، میکروسکوپ و تلسکوپ 1600 و پیشرفت دانش فیزیک، 1776 کتاب ثروت ملل، انتشار عقاید سن سیمون در رابطه با دین 1828 و...

همان‌طور که می‌بینیم باید تمامی وقایع ریزودرشت را لیست کرد و از دل آن‌ها یک خط ارتباطی بیرون کشید. در این وقایع چنین خطی دیده می‌شود:

رشد دریانوردی و جنگ‌های صلیبی باعث آشنایی مردم جهان با سایر مناطق می‌شود و یک تبادل فرهنگی رخ می‌دهد و همچنین کشف قاره آمریکا موجب یافتن منابع جدید طلا می‌شود. از طرفی انقلاب علمی و دست کشیدن از مفاهیم کلیسا و دین اتفاق می‌افتد (تأثیر عینیت بر ذهنیت)، رشد دانش طبیعی موجب انتقال روش‌های آن به علوم انسانی می‌شود تا عقب‌ماندگی خود را جبران کند و بر این تحولات افرادی همچون فرانسیس بیکن تأثیرگذار بودند (تأثیر ذهنیت بر ذهنیت)- به دنبال این جریان فیزیوکرات ها تأسیس می‌شوند (تأثیر عینیت بر ذهنیت) در ادامه این جریان قوانین طبیعی در اقتصاد به شکل‌گیری اندیشه‌های کلاسیک‌ها می‌انجامد، رشد صنعت براثر انقلاب صنعتی و نیاز به تولید انبوه کارگران را با مشکلاتی روبه‌رو می‌کند که با مواجه مارکس با این عینیات نظریه مارکسیست شکل می‌گیرد (تأثیر عینیت بر ذهنیت).

جمع‌بندی

برای جمع‌بندی یک‌بار سوالاتی که ابتدا در مقدمه بیان شد را پاسخ می­دهیم:

اولاً تغییرات در مکاتب اقتصادی، ظهور نظرات جدید و دگرگونی‌های بنیادی در علم اقتصاد چگونه رخ می­دهد؟

تمام تحولات در چهارچوب انتقالات عینی و ذهنی قابل‌تحلیل هستند؛ یعنی تغییراتی که در تاریخ رخ‌داده متأثر از تحولات ذهنی یک شخص است که تغییراتی را در عینیت یا در ذهنیت دیگران ایجاد می‌کند و تحت یک حرکت دیالکتیکی تاریخ شکل می­گیرد. البته این تحلیل از تاریخ بابیان مادی‌گرایی از تاریخ متفاوت است و مهم‌ترین تفاوت آن این است که اولاً برخلاف مادی‌گرایی تاریخی ادعای ما این نیست که تحولات تاریخی به‌صورت تک عاملی است بلکه تمام عوامل به کمک این روش قابل‌تحلیل است و از طرفی خود این عامل انتقال بین الاذهانی و سایر انتقالات بین عینت و ذهنیت مهم‌ترین (نه‌تنها ترین) عامل در شکل‌گیری تاریخ هستند.

 ثانیاً آیا واقعیات و تحولات تاریخی با نظرات علمی رابطه‌ای دارد؟

بله در طول تاریخ دیده‌شده که بر اساس یک تغییراتی در واقعیت نظریات علمی تحت تأثیر قرارگرفته است. مثال آن ظلم به طبقه کارگر و شکل‌گیری نظریه مارکس است.

ثالثاً این دو پدیده که در سؤال اول و دوم از آن سؤال شد چطور قابل شناخت است؟

به کمک رسم نمودار تاریخ نظریات و واقعیات (کل تاریخ) در محور زمان

 چرا بهترین روش برای بیان تاریخ اقتصادی روش تطبیقی (تطبیقی عقاید اقتصادی و وقایع در محور زمان) است؟

1. امکان مشاهده تحولات را ساده‌تر می‌کند
2. امکان مقایسه و تطبیق تحولات تاریخی را برای یافتن روابط علی معلولی به‌صورت فرضیه فراهم می‌کند. (دقت شود که ادعا این است که این روش می‌تواند برای ما برخی فرضیات احتمالی را به نمایش بگذارد تا در مورد آن تحقیق شود و مسلماً با صرف مشاهده احتمال وابستگی پدیده تاریخی X با Y در نمودار، نمی‌توان یکی را علت دیگری یا حتی تحت تأثیر دیگری دانست.)
3. رابعاً شناخت آن‌ها چه کمکی به بشریت می‌تواند بکند؟

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های انسان حکیم این است که به دنبال پاسخ سؤالاتی که برای زندگی‌اش کاربردی ندارد نمی­رود، لذا سؤال از اینکه شناخت روابط علی معلولی در تاریخ به‌عنوان هدف نهایی روش بیان‌شده در ترسیم نمودار تاریخی چیست، بسیار حکیمانه است؛ که در ادامه مهم‌ترین کاربرد این مهم را ذکر می­کنیم.

1. پیشرفت علم (اقتصاد و...) برای پیشرفت جوامع نیاز است.
2. علوم حاوی تئوری‌های اثبات‌شده و فرضیات هستند.
3. برخی فرضیات و تئوری‌های علمی صادق و برخی کاذب‌اند.
4. علوم برای پاک‌سازی (پیشرفت) نیاز به حرص شدن دارند.
5. صلاح حرص کردند علم ازنظر کاذب تبر نقادی است.
6. برای نقد علم شناخت ریشه و تاریخ شکل‌گیری آن مهم‌ترین ابزار به‌حساب می­آید.
7. شناخت ریشه و علل شکل‌گیری نظریات علمی در گرو رسم نمودار تاریخ تطبیقی در محور زمان است.

# نتیجه‌گیری

دیدیم که این روش از جهت نظری اولاً قابل‌اثبات و از جهت عملی نیز برای تحلیل تاریخ کار می­کند و نظریه‌ای منسجم است؛ اما مشکل بزرگ این است که منبعی که با این روش گردآوری‌شده باشد در دست نیست و تنها به کتب تاریخ عقایدی دسترسی داریم که فقط به بیان نظریات پرداخته‌اند و وقایع را اصلاً ذکر نمی‌کنند. از طرف دیگر منبعی که وقایع اقتصادی ایران را تماماً ذکر کرده باشد در دسترس نیست لذا برای روشی که بخواهیم ایران را با جهان مقایسه کنیم درگیر مشکلات بسیار خواهیم بود. امید است دانشجویان علاقه‌مند به تاریخ با رشد و پرورش این روش کتابی جامع برای مرحله اول از مراحل پنج‌گانه این روش تدوین کنند.

# منابع

سلسله جلسات تاریخ عقاید اقتصادی دکتر درخشان سال 85 دانشگاه امام صادق

سلسله جلسات تاریخ عقاید اقتصادی دکتر درخشان سال 93 دانشگاه علامه طباطبایی

روش تحقیق در علوم اجتماعی کاربرد در زمینه مسائل اقتصادی، دکتر مرتضی عزتی

تاریخ عقاید اقتصادی ژید و ریست

سیر اندیشه اقتصادی دکتر باقر قدیری اصل

علل گرایش به مادیگری، شهید مطهری

www.wikipedia.org

 [www.hawzah.net](http://www.hawzah.net)

1. . ABEDI.IMAN.1995@GMAIL.COM

دانشجوی ورودی 92 رشته معارف اسلامی و اقتصاد [↑](#footnote-ref-1)
2. comparative history [↑](#footnote-ref-2)